



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

شنبه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۲۶

مدیر سید محمد هاشمی

سال سوم - شماره ۷۴۷

صفحه ۱۹۹۵

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۴۹۵

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - بقیه صورت مشروح مذاکرات پانزدهمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۷
- ۲ - اخبار مجلس
- ۳ - انتصابات و احکام
- ۴ - آگهی های رسمی

آخر از ماده ۶۲ قانون مجازات عمومی مرتکب میشدند که میگویی:

(هر کس موجب تزلزل صمیمیت صاحب منصبان یا افراد قشونی و امثال آنها نسبت بملکیت گردد یا هر نحو حيله و دسيسه برای همراهی با دشمن نماید محکوم باعدام میگردد.)

باری روزهای آخر عمر کابینه جناب آقای حکیمی میرسید و قلم آقای ارسنجانى نیز شروع بیازى کردن نقش تازه ای مینمود با پیش آمد تأسف آور فارس و روشن شدن وضع ایران در شورای امنیت و تصمیم خلل ناپذیر شاهانه و بیداری دولت و آمادگی ارتش و احساسات عالی وطنپرستانه اهالی زنجان و آذربایجان و سایر نقاط ایران برای تصفیه مسئله آذربایجان باز هم يك مرحله خيلى متفاوت و متناقض دیگر از زندگانی شش ساله سیاسى این جوان بیست سی ساله آغاز شد. شخصی که یکروز بنفع آلمانها کار میکرد شخصی که هر روز باران فحش را بر سر و روی انگلیسها مینبارید بر علیه آلمانها اعلان جنگ داد در کنار زوشتها قرار گرفت و کمونیست دوآتشه شد. پیشه وری را تا وقتیکه کارش رونق داشت که کرد و دست از دامن حزب توده و شورای متعده تا وقتیکه برویائی داشتند برداشت ولی همینکه ورق برگشت دشمن شماره یک رفقای سابق شد و قلم رادر اختیار دولت و مرکزیت و تشکیلاتی گذاشت که تاچند وقت پیش مخالف جدی آن بود تعجب نفرمائید که چرا اعتراضات اینجناب با آقای ارسنجانى از حدود روزنامه دارپا تجاوز نمیکند.

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵

جملات بحر حوم سرلشکر ریاضی و آقای زند وزیر جنگ سابق و تعلقه کامل ارتش و اصرار باینکه باید افسران درسیاست دخالت نمایند این سطور را نوشته بودید «آیا دو لشکر را برای آذربایجان تجهیز میکنید؟ پیشنهادات شما و آقای زند با مراجعه بسوابقتان چندان تعجب آور نیست ولى سکوت مرک بار و کلای روشن فکر مجلس ملت را ناامید میکند شاید وظیفه کابینه رنگین آقای حکیمی تصویب این لوایح باشد.»

آقای ارسنجانى میتواند دلایلی که شما را مجدداً ارادتمند این سازمانها و این مرکزیت و این قانون اساسی ساخته است برای ما ذکر کنید؟ آقای ارسنجانى آیا میدانید با اخلالیکه شما و یارانانتان در کار ارتش آنهم در آن موقعیت خطرناک میکردید و نارضایتی عجیبی در آنموقع حساس بین مردم و سربازان و افسران ایجاد میکردید تاچه حد کمک بفرام کردن زمینه اغتشاش آذربایجان و تحکیم موقعیت دموکراتهای قلابی کردید؟ شما که خود در طی نوشته های متعددی بحساسیت و خطر اوضاع آنروز اشاره کرده اید چه طور راضی شدید مرکزیت دولت را متزلزل سازید، از افسران فراری حمایت کنید، انضباط ارتش را از هم بپاشید تا روحیه سربازان راست کنید و اعتقاد آنانرا از مافوقها سلب نمائید... هیچ میدانید که در آنموقع جرمی متعلق با قسمت

شماره های ژاندارمری را بر در دیوار اتحادیه نوشته اند این شماره ها حاکی از نهایت انحطاط اخلاقی يك ملت بشمار می آید، این شماره ها نشان میدهد که دستگاههای ارتش ایران چگونه میچرخد، این شماره ها نتیجه تعلیماتی است که با افراد مسلح کشور برای حفظ حکومت مشروطه میدهند، این شماره ها نتیجه تعلیمات ارفعها و اعتماد مقدمهاست بر روی دیوار اتحادیه کارگران با خط درشت ولی بدو زنده ژاندارمری نوشته است زنده باد دولت، این شماره بر روی نوشته کارگری میباشد باین مضمون: زنده باد توده های عظیم ملت.

راستی چقدر توهین آور و مسخره است تعریف و تمجید هائی که این روزها قلم آقای ارسنجانى از ارتش و ژاندارمری و شهربانی و مقام سلطنت و قانون اساسی میکند... راستی آقای ارسنجانى میتواند ببا نشان دهید که در تشکیلات ارتش و ژاندارمری و شهربانی ماچه تغییرات فاحش و خیره کننده ای روی داده (ارسنجانى - رئیس ستاد هوش شد) که موجب تغییر عقیده جناب عالی گشته است شما که در شماره ۸۹ سال ۱۳۲۴ تحت عنوان اعلامیه رئیس ستاد ارتش و جواب حزب توده با طرفداری از حزب مزبور اتهامات ستاد ارتش را راجیح بفرار افسران خراسان رد کرده و آنها را بی منطق معرفی کرده اید... شما که در شماره ۵۰ سال ۱۳۲۴ تحت عنوان وزیر جنگ غیر نظامی و وزیر جنگ نظامی ضمن رکیک ترین

این موضوع هم باعث تأسف باید باشد هم موجب خوشوقتی. تأسف از این باب که يك جوان تحصیل کرده در عرض پنج شش سال فقط و فقط بوسیله فحش دادن و رنك برنك شدن و تغییر مسلک و تغییر ارباب دادن و هر روز سنك يك خارجی را بر سینه زدن این همه لطمه بامنیت و استقلال و مرکزیت کشور بزند.

در عین حال من خوشوقتم که حدود شخصیت ایشان از ورق پاره های ننگین و رنگین روزنامه داربا تجاوز نمیکنند. خوشوقتم در کشوری که دزد ها و خائنین هرگز آثار و مدرک و دلیلی در جای نمیگذارند ایشان در کمال بی پروائی و تهور آثار و دلائل جرم خود را بطور غیرقابل انکاری در این روزنامه در جای نهاده و کار قضاوت و ملت ایران را آسان کرده اند.

راستی اگر چنین منبیرا ایشان در دسترس ملت ایران نمیگذاشتند حالا چگونه ممکن بود روح متلون و آنتریگان او را مجسم ساخت ؟ چگونه ممکن بود تحریکاتی را که ایشان برای بر هم زدن روابط ایران و شوروی برای گل آلود کردن آب و برای ماهی گرفتن بکار برده اند نشان داد ؟ آیا اگر این مدرک بر جانمانده بزد ما هرگز میتوانستیم تحریکات این کاسه گر متر از آش را در چنان روزگار تیره ای مجسم سازیم ؟ اگر روزنامه داربا بر جای نمیماند حالا چگونه ممکن بود آقای ارسنجانی را به اتراف و ادا داشت که غائله آذربایجان را حمایت میکردند . چگونه ممکن بود اختلاف گفتار آنروز و امروز تناقض عقاید دیروز و امروز و تباین افکار آنروز و امروز ایشان را منمکن ساخت او که باصراحت تمام در مقاله شماره ۵۲ سال دوم ۱۳۲۴ اینطور نوشت :

(چند روز است که در تهران جوش و خروش خاصی مشهود میباشد. راجع بقیام حزب دمکرات آذربایجان که بعضی افراد آن را ماجراجو ، مهاجر ، یاغی ، آشوبگر میخوانند. صحبت هائی در بین است. حزب دمکرات را منتسب بروسها میکنند ... اصرار مخصوص در کار است که قیام آذربایجان را یک تحریک روس جلوه دهند .

آذربایجان که باید سرزمین حوادث و اتفاقات بآن لقب داد پس از بیست سال خاموشی از نومشعل- دار انقلاب شده است مرکز خونریزی یا باصطلاح برادر کشی ، مبارزه با قوای دولتی از نو در صحنه خونین آذربایجان اعلام شده است .)

او که با گستاخی وی پروائی بهانه در دست بیگانگان میگذاشت تا مملکت ایران را دیرتر تخلیه کنند . او که برای ورود ارتش های بیگانه بایران دلیل میتراشید و فوق العاده منتشر میکرد و مینوشت: موضوع نیروی شوروی در ایران خیلی ساده است بیمان انگلیس و شوروی و ایران ۱۹۴۲ اثر روابط را بطور وضوح معلوم کرده و بموجب قرار داد ۱۹۲۱ دولت شوروی حق دارد نیروی خود را وارد ایران کند (نقل از فوق العاده ۲۴۹۲۶) در اینجا باید عرض کنم طبق اطلاعی که دارم جناب اشرف آقای قوام السلطنه جواب دندان شکنی باین قسمت داده اند اوسمی میبرد یخود خاطر خعیل پادشاه قانونی و مشروطه خواه ما را که بتصدیق عموم

نمایندگان محترم هرگز ذره ای از اصول منحرف نشده اند (صحیح است) در روزنامه خود باحالات نیش دارو تحت عناوینی از قبیل (شاه قانونی منحرف- نمیشود) آزرده سازد.

يك مرحله دیگر از مراحل متفاوت و متناقضی که این سیاست مدارشش ساله در حیات متشنج ملت بینوای ایران بازی کرده است قیافه حق بیجانی است که برای دخول در حزب دمکرات ایران بخود گرفته اند و سعی دارند باین وسیله خود را در رفید وهم مسلک رجال وطنپرستی که در آن حزب هستند در آورند . و فراموش کرده اند که در شماره ۷۳ و ۷۴ شنبه ۷ اسفند ۱۳۲۳ روزنامه داربا راجع بلیدر فعلی حزب دمکرات ایران جناب اشرف آقای قوام السلطنه چه نوشته بودند. برای یاد آوری قسمتی از آن مقاله را میخوانم « در این روز ها جبهه آزادی از عناصر مختلفی تشکیل شده بود که از آنجمله عده ای نویسندگان جبهه استقلال کنونی بوده اند. هدف جبهه آزادی مبارزه با آثار و بقایای رضاشاه بود و همه درصدد بودند يك سیاست مدار معمر و با سابقه را که دخالتی در سیاست بیست ساله ایران نداشته باشد پیدا کرده دور او بایستند و نقشه ای برای آینده ایران تهیه کنند و بهمین علت وقتیکه قوام السلطنه کاندید ریاست وزراء شد دور او را گرفته اند و با کمک آن ها قوام السلطنه موقت شد رئیس الوزراء بشود پس از مدتیکه قوام کار کرد کم کم در یافتند که از ایشان هم کاری ساخته نیست آن جسارت و شجاعت که اقدام يك چنین عملیات اساسی بکنند در وجود او پیدا نمیشود زیرا قوام پس از استعزاز در ریاست وزرائی شروع بسازش با همان دسته ای کرد که لهدر های جبهه آزادی آن روز بر علیه آنها قیام کرده بودند. »

با تذکراتی که بعرض رسید اطمینان میدهم که اگر نمایندگان محترم اجازه بدهند ایشان مقام مقدس نمایندگی را اشغال نمایند اگسر باصطلاح نظامی ها اجازه دهند که این دزد مسلح از نزدیک هدف گیری کند آنوقت فرصت خواهد یافت که روز از نو روزی از نو دور تسلسل پیش آورده و آزموده ها را بار دیگر بهتر بیازماید.

راستی قلم فرسایی ایشان در مرحله اخیر باید چشم تعجب مردم که چنگاو را از حدقه خارج سازد از نظر نباید دور داشت که مرام خوب مثل اسلحه خوب است اگر بدست سرباز وطن پرستی بیفتد از وطن دفاع میکند اگر در دست جنایتکاری افتد مرتکب قتل و جنایت میشود.

عنصری که يك روز افسراطیون این مملکت را محافظه کار لقب میداد و خصم آشتی نا پذیر دولت و مرکزیت و مجلس و قانون اساسی و ارتش و ژاندارم و مخصوصاً مقام سلطنت بود امروز آنچنان مستغرق در عبودیت و بندگی دستگاههای نامبرده بالا است که شخص تصور میکند این جوان با این قیافه حق بیجانی پدر بریدر از مستوفیان خدمتگذار (ارسنجانی - بنده این افتخار را نداشته) و صبیبی و آزادتمند دربار و دیوان بوده است، امروز مقالات آقای ارسنجانی خطاب بباران قدیمی و افسراطیون سابق پراست از کلمات هوجوی و آشوب گر و اخلاص گر . امروز این آقا همان اندازه از کمونیزم و سوسیالیسم و غیر ذالک رو گردانند که

جمعی از نمایندگان - پس گرفتند .

رئیس - بسیار خوب پس گرفتند ، آقای عباس اسکندری بفرمائید .

عباس اسکندری -

آقای ناصر ذوالفقاری، بیانات مشروح و مفصلي در پشت این کرسی خطابه فرمودند و واقعاً از نظر يك نماینده که برای دفعه اول در مجلس شورای ملی صحبت میکند من خیلی خیلی از ایشان تعجب میکنم و بسیار بسیار خوب است و در آینده ایشان بنده بسیار چیزها می بینم (خنده حضار) زیرا صبح دولتشان است که میدم مطالبی را که بنده اینجا میخواستم عرض کنم بعد از بیان مطلب ایشان برای بنده پیش آمد کرد بنده شخصاً قصد صحبت نداشتم و بهمین دلیل هم بعد از اینکه ایشان مذاکراتی فرمودند شرحی بجناب آقای رئیس عرض کردم و اجازه صحبت خواستم و بعد هم مثل اینکه نظر مجلس یا بعضی آقایان را دیدم که با استعجاب نگاه میکنند مثل این که اشکال دارد که با يك مذاکراتی که شده است بعد بتواند يك نفر هم بعنوان موافق حرف بزند (بعضی از نمایندگان - اشکالی ندارد) آقایان نمایندگان اینجا محل قضاوت است، محل رسیدگی است، آقایانی که در این مجلس شرف حضور دارند عده ای از آنها در دادگستری است و کالت داشته اند، اطلاعاتی دارند و میدانند که اگر هم وکیل حاضر نشد برای متهمی و کالت بکنند وکیل مسخر برای او تعیین میکنند او میآید صحبت میکند . بنده فرمایشات ناطق محترم را چند قسمت میکنم (خیلی هم مؤدب و خوب صحبت کردند) يك قسمتهاست که البته وظیفه خود آقای ارسنجانی است که از آنها دفاع کنند . هیچکس نمیتواند داخل دفاع شخصی راجع بیک موضوعات اتهامی شخص بشود او خودش البته دفاع میکند ولی مطالبی را ایشان این جا فرمودند که اینها بنظر بنده يك قدری صحیح نیامد اول راجع بمروریت آقای ارسنجانی اشاره کردند ، بنده خیال نمیکنم آقایان این اندازه نسبت بمقام جرایم کوتاه نظر باشند ، بنده تصور میکنم رکن چهارم شرطیت که گفته میشود این را برای این گفته اند که قبلاً آن سه رکن دیگر بوجود آمده بود والا بعقیده بنده جریده نگاری رکن اول مشروطیت است . آزادی فکر و عقیده قدم اولی است که اصول و پایه يك حکومت مشروطه و پارلمانی را میگذارد و هیچکس خیال نمیکنم تصور بکنند که يك مدیر روزنامه که روزی ده شماره یا صد شماره یا هزار شماره بدهد این شخص در نقاط مختلف مملکت معروفیتش کمتر از يك مالک باشد ، بنده عقیده دارم حتی در همین گیلان اشخاصی هستند با ناطقی غیر از لاهیجان که مالکین لاهیجان را نمی شناسند، ممکن است در وقتون يك کسی باشد که مالکینی که در لاهیجان هستند نشناسد ، در طولش هم همینطور ، آقای ابوالقاسم امینی هم تصدیق فرمودند شاید دولت نشاء هم همینطور باشد این امکان پذیر هست اما بعقیده بنده در درجه اول برای هر کس نه تنها در این کشور بلکه در جاهای مترقی روزنامه نویس از همه معروفتر است بد یا خوب باشد او عقیده داشته باشد یا نداشته باشند ولی وقتی که گفته شد جریده نگار ، روزنامه نویس او از همه معروفتر است . بنده افتخار میکنم که روزنامه نویس هستم و موقتاً وکیل مجلس هستم و بعد هم باصل خودم بر میگردم باز هم روزنامه نویس

هستم و تا هستم این افتخار را دارم و خواهش میکنم آقایانی که در این جا حضور دارند مراقبت بفرمائید نسبت بروزنامه نویسی و روزنامه نویسی بیشتر توجه بکنند ، يك سردمی در این مملکت انواع واقسام ضرر و صدمه و ناراحتی را متحمل میشوند و هر روز هم مشمول مواد ۸ و غیره میشوند و بسیار مردم دیگر که انواع واقسام استفاده را دارند در صورتیکه تمام بلايا روی سر اینهاست و اینها هستند که در اقصی نقاط مملکت ، در این مملکت که يك ژاندارم ، يك رئیس امنیه ، يك رئیس قشون ، يك حاکم ، يك استاندار اگر از مرکز ترس نداشته باشد از مدیر روزنامه که مینویسد و قضایا را در روزنامه خودش شرح میدهد مبررسند ، من خیال میکنم که مقام روزنامه نگاری اجل و اعلی بر سایر کارها است ، این عقیده بنده است ، آقایان هم میتوانند قبول نداشته باشند (باتمامتلیج - مشروط بر این که کارش هتاکتی و اخذی نباشد) « آقای باتمامتلیج ممکن است شما آدم بسیار خوبی هستید ، کس دیگری هم آدم بدی نباشد ، هم ممکن است يك کسی شهرت خوب داشته باشد و يك کسی هم شهرت بد داشته باشد ، صحبت سر معروفیت معلی است بهر حال معروفیت را دارد حالاً ممکن است بعضی ها معروفیت خوب داشته باشند و بعضی ها معروفیت بد داشته باشند . شما بحمدالله معروفیت خوب دارید (خنده حضار) اما در قسمت دوم آقای ذوالفقاری يك اشتباهی بر ایشان حاصل شده است و آن این است که فرمودید آقای ارسنجانی مقالاتی راجع به تغییر قانون اساسی ، همان قانون اساسی که ضامن دولت و ملت است ؛ همان قانون اساسی قسم میخورند و با آن قانون اساسی زندگانی میکنند ایشان چیزها نوشته اند و این را جرم می شمارند بنده خیال میکنم اشتباه میکنند و شاید حالا که عرض میکنم رفع اشتباهشان بشود ، اصولاً مخالفت با قانون اساسی و اصول جاریه يك مملکت از نظر عمل طبق موادی که با آنها منطبق میشود جرم شناخته میشود اما آقا ، اظهار عقیده کردن جرم نیست (ذوالفقاری - مخالفت با قانون اساسی بود) اجازه بفرمائید آقای ذوالفقاری بنده عرض میکنم ، بنده تمام بیانات شما را اصفاً کردم باید این مطلب را روشن کرد بایستی دانست مادر يك دنیائی زندگانی میکنیم که منشور ملل متحد را قبول کردیم ، در همین مجلس پذیرفته ایم هر کس حق دارد که آزاد باشد و آزاد فکر کند و نسبت بهر قبله ای که میخواهد نماز بگذارد ، ما این را قبول کردیم . فرق است بین عقیده آزاد و عمل آزاد بنده آقا طرفدار آزادی هستم . آزادی فکر و عقیده ، بعقیده من اولین چیز برای هر بشر است بهمین نظر شما در يك کشوری این آزادی فکر و عقیده را میتوان شروع بکنید و میتوان بدو بگوئید و میتوان بالای کرسی خطابه برید و میتوان در روزنامه تان بنویسد ، که این نواقص در قانون هست و قانون هم راه گذاشته است برای اینکار یعنی مجلس هادی وقتی که دید افکار عامه متوجه است یا يك مرامی آن افکار را تهیه کرده اند ، زمینه حاضر شد ، تقاضای رفراندوم میکنند مراجعه میکند با اهالی آن مملکت که صلاح میدانند ما آن را هوش بکنیم یا نکنیم

اگر مملکت تصویب نکرد ، اهالی کشور تصویب نکردند میماند بحال خودش ، اگر تصویب کرد البته تغییر میکند در همین مجلس دو سابقه است بانحوه عملش کار ندارم یکی در دوره دوم مجلس است که برای تغییر بعضی از مواد در قانون اساسی به وکلای تهران و وکلای آذربایجان اختیار داده شد که آنها اظهار نظر بکنند ، اظهار نظر هم کردند یکی هم در مجلس پنجم در نهم آبان ماه چهار ماده قانون اساسی تغییر کرد شما شاید تشریف نداشتید (خطاب به آقای ذوالفقاری) ولی خیال میکنم چند نفر از آقایان نمایندگان که در آن موقع بودند بواسطه اینکه سمت کدخدائی آنها خوب بوده است و مردم هم مراقب بوده اند آنها را نگاهداشتند و حالا هم تشریف دارند اینها با اینکه در همان مجلس قسم خورده بودند که حافظ قانون اساسی باشند قسم خورده بودند یادشاه وقت خیانت نکنند ، مقتضی چنین دیدند کدر نهم آبان ماه ۴ ماده از قانون اساسی را هوش کنند و روی آنها عمل کردند پس باین سابقه و با این وضعیت قبلی ملاحظه میفرمائید این اشتباهی است که برای جنابعالی حاصل شده است . یعنی اصولاً میشو د فکر کرد که نواقصی هست شاهم ممکن است فکر کنید که این شکل اگر باشد بهتر است اما در عمل باید دید که يك اکثریتی با شما موافقت میکند یا خیر ؟ اگر اکثریت با شما موافقت کرد فکر شما صحیح است اگر نکرد که صحیح نیست ، شما باید در این مورد از آقای مکی کمک بگیرید از آقای ملک الشعراء کمک بگیرید کنایه ایشان را اگر رایگان بشما دادند که چه بهتر و الاخری داری بفرمائید و بآنها مراجعه کنید اشکالاتان حل میشود ، پس بنده خیال میکنم ، بهتر این است ما در قضاوت هائی که میکنم يك قدری انصاف را هم در نظر بیاوریم ، البته این مجلس کار های زیادی دارد همان طور که فرمودند خیلی کارها در پیش است و يك وحدت نظر هائی اگر باشد خیال میکنم که منافع مملکت را بهتر تضمین میکند و ایجاب میکند که ما اینطور باشیم در عمل ، بنده چون هم قرآن را میدانم و هم تورات و انجیل را میدانم عیبی ندارد که از انجیل مثلی بزنم ، (این مثل بامثلش صدق نمیکند بنده قصد اسائه ادب ندارم با آقای ارسنجانی ، ایشان خودشان دفاع خودشان را میکنند مجلس هم روی دفاع ایشان برله یابرهلیه قضاوت میکنم) میگویند وقتی که عیسی میرفت بکوه بیت اللحم حواریون هم همراهش بودند ملت یهود از او خوشنود نبودند زیرا که يك اخلاص هائی در اصول دینات موسی کرده بود ، زنی را آوردند آنجا و باو هتمت زده بودند که مرتکب عمل خلاف عفت شده و طبق قانون موسی عا و رامی خواستند که سنك باران کنند آن زن آمد و خودش را جلوی پای او انداخت عیسی هم دستش را روی سر او گذاشت مردم که هتمت یهود باو اعتراض کردند چون بی بهانه میگذاشتند یکر تبه فریاد کردند و گفتند تو که میگوئی اصول مذهب موسی را رد نمیکنی پس چرا داری از او دفاع میکنی گفت شما يك ضلش را خواندید اما فصل دیگرش را هم بخوانید بلی دامنه های شما بر از سنك است میتوانید بیندازید اما

اما موسی میگوید اول کسی میتواند سنک بیندازد که خودش از همه چیز بری باشد حالا هر کدام دستتان، دامنانتان از گناه بری است سنک را بیندازید آنها یکقدری فکر کردند بعد دامنهای شان را رها کردند و این مثل هم برای یکی از شخصیت‌هایی است که از او نام میبرم «او مریم مجد لیه است» ما هم بیاییم و بگذاریم اوقات گرانبانی که در تاریخ ایران کمتر نظیر دارد آن را وقف سمادت و سلامت این کشور بکنیم، داخل یک جار و جنجال‌هایی شدن موجب میشود که یکی یک مطلبی میگوید و دیگری هم در جواب چیزی میگوید و این دور تسلسل پیدا میکند و بعد شاید از آن امور اصولی ما دور بیفتیم بنده با آقای ارسنجانی و با حزب دمکرات اینجا میگویم اصلاً هیچگونه ارتباط ندارم بنده نه جزء حزب اکثریت هستم نه با آقایان اقلیت سروکار دارم من در این مجلس اقل بالاعتبار هستم یعنی اقلیت بمعنای واقعی هر کدام از اینها را کذبیم یک قسمی بر میدانند به منفعت کشور من تبعیت میکنم و از نظر آنها تطویق میکنند، تأیید میکنند و اگر نباشد انتقاد میکنند و بنده نمیگویم که عمل خلافی نمیکند، بهر حال اگر مطالب اصولی بلا جواب باشد بنده نمیگویم شما از آنها صرف نظر کنید ولی اگر مطالبی باشد گفته‌هایی باشد که اینها با همدیگر تعادل بکنند من عقیده‌ام این است که آرزوی سیاسی ندارم که اوقات مجلس را صرف این عقاید بکنیم و البته خود ایشان هم در سایر مطالبی که بنده وارد نیستم و با ایشان هم اختلاف عقیده دارم جواب خواهند داد و منصوصاً اینجا تصریح میکنم ایشان بدانند بنده دفاعی که اینجا میکنم از نظر اینکه ایشان جزو حزب دمکراتند یا یک چیزهای دیگر بنده دفاع نمیکند بلکه بنده دفاع اصولی میکنم بنده منم کم است اما چند تا پیرهن از آقایان بیشتر یارده کرده ام (مهدی ارباب-ستمن هم کم نیست) (خنده حضار) آقایان باید داخل یک مراحل اصولی بشوند و امیدوارم که هر اریض بنده را قبول کنند.

رئیس - آقای شادلو (بعضی از نمایندگان- ایشان نیستند) آقای دکتر مجتهدی.

امامی - نوبت بنده است.
رئیس - بفرمائید.

نورالدین امامی - ادای وظیفه ملی و مسئولیت دشوار و خطیر نمایندگی مرا و ادار نمود از پشت تریبون مطالبی را که در حقیقت انعکاس افکار عمومی است بمرض نمایندگان محترم برسانم. همکار محترم آقای ذولفقاری با بیانات شیرین خودشان کار مرا آسان فرمودند و هر اریض من آنقدر زیاد نیست، بکافذ هابیم زیاد نگاه نکنید و قصه آقایان را هم زیاد اشغال نخواهم آورد امیدوارم آقای ارسنجانی اظهارات مرا مخالف باشخص خودشان تلقی نفرمایند چون من با ایشان سابقه سوئی نداشتم، من آقای ارسنجانی را تا روز افتتاح مجلس شورای ملی خدمتشان نرسیده بودم بعداً هم چند روز بعد از افتتاح یک روز خدمت آقای رئیس مجلس خدمتشان رسیدم با هم سابقه‌ای نداریم، عدم رضایت ملت ایران و فشار افکار عمومی به طرد کسانیکه در دوره پیر اضطرار یکساله گذشته از پشت سر خنجر کشیده و با اقدامات و نوشتجات خویش نزدیک بود بهین هزیرمان را به پرتگاه نیستی

بکشاند بنده را ناچار نمود شمه از عملیات یکی از این اشخاص را که در دوره بدبختی کشور از هیچگونه تبلیغات و مسموم کردن افکار کوتاهی نکرده بامدارک و اسناد موجوده بمرض مجلس شورای ملی برسانم؛ روی سخن من بیشتر نمایندگان محترم است که امروز اکثریت مجلس شورای ملی را در دست داشته و مسئولیت بزرگی را به عهد گرفته اند، آقایان، کلبه اعمال و رفتار شما را در موقع خود جامعه و ملت قضاوت خواهد نمود (صحیح است) هر قدر پیش در اعمال و کردار و گفتار مخصوصاً در انتخاب همکار دقت شود موقع و شایسته تر است من بعنوان یک نفر وکیل و نماینده بانمایندگان محترم صحبت نمیکند بلکه بنام یک نفر ایرانی یا برادران ایرانی که آرزوی همگی منحصر آزرگی ایران عزیز و ایرانی است صحبت میکنم.

آقایان قاضادارم برای من توجه بیشتری بمذول و مدارگی را که بمرض میرسانم بیشتر مورد توجه و دقت قرار دهید و بدانید قبل از انتساب بهر دست و جزبی همه ماها ایرانی هستیم و غیر از خنجر و سلاح و سمدات ایران هدف دیگری نداریم قانون یعنی این کلمات و جملاتی که جمع شده و در روی کاغذ نوشته میشود بغودی خود قوت ندارد و قوه مقننه که میتوان گفت در حقیقت آفریننده قانون است باید پشتیبان قانون باشد و قدم مقدم مراف مجریهای قانون، ولی اگر خدای نکرده قوه مقننه خودش قانون را لنگد مال بکند آنوقت دیگر چه انتظاری میتوان داشت نمایندگان محترم امروز ما میخواهیم نسبت به بیرونده شخصی که تمام معنی یش یا بقوانین مملکتی زده و بر علیه قانون اساسی پرچم برافراشته و سه سال تمام بنام آزادیخواهی بر علیه حکومت ملی و استقلال کشور قیام کرده رسیدگی و قضاوت کنیم بطوریکه قبلاً بمرض رسیدن با آقای ارسنجانی سابقه سوئی ندارم ولی نوشته‌ها و گفته‌ها و اعمال ایشان است که هر ایرانی وطنپرستی را میپزند. آقای ارسنجانی بر علیه قانون اساسی قیام کرده در نامه صدر صدملی دارا بنوشته اند... پیشید یک صفحه را اشتباه کردم (خنده نمایندگان)

آقای ارسنجانی بر علیه قانون مقدس اساسی قیام کرده و در نامه صدر صدملی دارا که ایشان افتخار مدیریت و نویسندگی آنرا داشته بر علیه قانون اساسی مقالات منصلی نوشته‌اند و تغییر قانون اساسی بوسیله مجلس مؤسسان (توجه بفرمائید) آنهم مجلس مؤسسانی که نمایندگان اواز طرف پیشه‌وری و امثال پیشه‌وری انتخاب شده باشند خواسته اند (ارسنجانی- کجایش نوشته شده آقای امامی؟) گوش کن آقایان جان! برقرار نیست صحبت کنی در شماره ۱۹۹ بیست و هفتم اسفند ماه ۱۳۲۴ دارا بنوشته اند (این کجایش است آقای ارسنجانی)؛ تصدیق مینمایم که قانون نامبرده یعنی قانون اساسی مطابق احتیاجات و مقتضیات ملت ایران نیست و ناگزیر باید مجلس مؤسسان دعوت و تشکیل شود تا در قانون اساسی تجدید نظر شود. در جای دیگر همان شماره نوشته اند «معتدماً قیام آذربایجان و قیامهای دیگر- الوفوع سایر قسمتهای دیگر ایران منحصر بوسیله مجلس مؤسسان قابل بحث و حل خواهد بود.» در شماره ۲۰۹ مورخه فروردین ۱۳۲۵ ضمن سرمایه خود راجع آذربایجان می نویسد: «ما نمی خواهیم

بهر و غلبه با ذریایجان. برویم راه دوستانه و قانونی آن منحصر بهدوت مردم آذربایجان برای شرکت در مجلس مؤسسان ملی میباشد.» مقصود ایشان این بوده که پیشه‌وری و غلام یحیی و امثال آنها بهتران آمده و بنام مردم ستمدیده آذربایجان در مجلس مؤسسان شرکت نموده و غیر و صلاح ملت ایران را را در نظر گرفته وضع قانون برای ایران بکنند. این مجلس مؤسسانی بود که آقای ارسنجانی می خواستند. توجه بفرمائید چند قسمت دیگر از نوشته های ایشان راجع آذربایجان را بمرض میرسانم در شماره ۲۲۱ اول اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ مینویسد.
« ما عقیده داریم که دولت برای تسریع در حل قضیه آذربایجان باید باساس نهضت مزبور توجه کند » آقایان توجه بفرمائید این جمله را (ارسنجانی- بفرمائید خواهش میکنم) میفرمایم شما هم بفرمائید خواهم فرمود (ارسنجانی- خواهش میکنم) «تصور نمیشود کرد (اینجا عبارت روزنامه است) که عقب برگردانیدن آذربایجان عملی و اصلاح مملکت باشد باید سایر قسمتهای ایران را از این نقطه نظر پیش برد تا با ذریایجان برسند.» در اول اردیبهشت ۲۵ مینویسند نمایندگان محترم- تصور میکنم نظر آقایان بوده است که یک داغ دل و یک پیشه‌وری برای ما کافی نیست با سستی چندین پیشه‌وری دیگر هم برای سایر نقاط ایران تهیه و اعزام نمود تا مملکت آسوده باشد و آقای ارسنجانی حکمروا تر. در شماره ۲۲۹ بیست و نهم تیر ماه ۲۵ نوشته اند. « قیام آذربایجان که مرتجعین آنرا بعنوان طلیعه تجزیه ایران عنوان میکردند نه تنها موجب تجزیه ایران نشد بلکه پشتیبان قوی نهضت های دموکراتیک ایران گردید.» آقایان نمایندگان، در طی قرون متمادی ایرانیان در کش و قوس سیاست و در منگنه فشار استقلال کشور خود را حفظ نموده اند امروز بحق یا ناحق مقدرات ملت ستمدیده و جور کشیده بدست ماسپرده شده است بحمدالله همه ایرانی هستیم و میدانیم آذربایجان پرچم دار مشروطیت و آزادی و استقلال ایران بود (صحیح است) میدانید که آذربایجان در چهل و چند سال دوره مشروطیت چه قربانیها برای آزادی داده (صحیح است) امروز من و شما بعنوان نمایندگان ملت که نسال ایران باین صندوق تکیه کرده ایم شما میدانید از شهریور ۱۳۲۰ تا آذر ۱۳۲۴ آذربایجان و آذربایجانی چه روزهایی را شب آورده شما می دانید از آذر ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۵ در این مدت یکسال با ذریایجان چه گذشته که آنوقت آقای مینویسد قیام آذربایجان که مرتجعین آنرا بعنوان طلیعه تجزیه ایران عنوان میکردند نه تنها موجب تجزیه تمامیت ایران نشد بلکه پشتیبان قوی نهضت دموکراتیک ایران گردید این نهضت دمکراتیک که آقای ارسنجانی هم افتخار همکاری با پیشوایان آن نهضت را داشت نهضت پیشه‌وری بود که تصور نمیکند هزار یک از فجایع آنها را بدانیم، آقایان هنوز آب کفنه‌های خود را از آزادی در آذربایجان خشک نشده، افسران جوان و غیور مارا آزادیخواهان و پیشوایان دمکراتیک قلبی بجرم وطنپرستی و شاه دوستی با اوه سر بریدن و الله آقا ۱۱ نفر را بااره سرشان را بریده بودند قله‌های پایشان را در سراب زانوهایشان و سرشان را بااره

بریدند هنوز رنگ خون آن افسرها در روی خاک آذربایجان دیده میشود؛ نگله‌مداری شمال شاهنشاه ایران جرم و گناه غیر قابل بخشش بود. پدر این آقای لایقانی نماینده محترم صدسال داشت بانصناق مغزش را کوییدند از پیر مرد های صد ساله تا اطفال صغیر را در دامن مادرشان قتل عام نمودند این نهضت دمکراتیک بود وقایع خرداد ماه ۱۳۲۵ شاپور فراموش نشود بچه‌های نه ساله قیام کردند جناب رفیع نه ساله. بچه‌مدرسه. توقیف شاگردان مدرسه در رضائیه. توقیف شاگردان مدارس تبریز که این بچه‌های ۱۵ ساله بر علیه نهضت دمکراتیک قیام می کردند این نهضت دمکراتیک بود که آقا میخواستند.

آیا میدانید در هر شهر و هر خانه آذربایجانی برای حفظ پرچم مقدس شیرو خورشید در آن یک سال چه خونها ریخته شده، چه قربانیها داده و چه خسارها متحمل شده‌اند تصور نمیکند والله تا پنجاه سال دیگر آذربایجانی بتواند قدملم بکند از این وضعیت زندگی فعلیش. آن وقت این آقا موجود و مسب این بدبختی‌ها را نهضت دمکراتیک می نامد و نمایندگان محترم اجازه میدهند این شخص برصندلی نمایندگی ملت ایران جلوس کرده و حافظ حقوق ایرانیان باشد. جناب آقای حکمت رئیس مجلس- جناب آقای بهار- آقای وکیل- آقای شریعت زاده‌شماها که مدعی هستید از اول مشروطیت برای آزادی و آزادیخواهی ملت سینه‌سیر نموده اید این آزادی را که آقای ارسنجانی و رفقای آقای ارسنجانی برای ما هدیه آورده بودند طالب بودید؛ آقای دکتر امینی - آقای دکتر آشتیانی نماینده گداملتان اینجا هستید (اقبال- هر دو شان نیستند) در قید حیات که هستند (خنجه نمایندگان) آقای مهندس هدایت آقایان دکترها که اروپا رفته اید آزادی و آزادیخواهی که ملل متمدن و دنیای خارج از ایران که شما مدتی در آنجا توقف کردید اید این بود؛ اگر معنی آزادیخواهی آدم کشی است من حرف ندارم؛

امروز آقای ارسنجانی و رفقای آقای ارسنجانی از آزادی و آزادیخواهی استفاده کرده اند چند نفری در خارج ایران بخرج ملت ایران آنجا برای خودشان راه میروند برای خدمت با آزادی، چند نفری هم در تهران و ایشان هم در مجلس ایران باز به فعالیت و تهیه قیام مشغول هستند. من تصور میکنم بیش از این محتاج نیست که برده را بالا بزنم، اولین وظیفه مجلس شورای ملی جلب اعتماد و احترام مردم است چه خوب فرموده اند آقای دکتر معظمی، آقای دکتر فرمایشات شما را نقل میکنم با اجازه آقا: (مادر اینجا هر چه بگویم نتیجه اعتراضات اکثریت روشن فکر و دانشمند کشور در حال آنطور که ملت و مردم دیدند که مقدس ترین صندوقهای ملی را میتوان بآتکاه و یشتیانی از آزادیخواهان قلبی و تغییر لباس و بوقلمون صفت شدن بدست آورد قدر تقوی و فضیلت و وطن پرستی از بین میرود وقتی ملت دید که هر روز آذربایجان یک عده اشخاص بیسواد و عامی را بعنوان اینکه به مین هزیر گرامی ما خیانت کرده و پرچم مقدس شیر و خورشید بدیده

احترام ننگریده و یا به شمال شاهنشاه محبوب بادیده تکریم نگاه نکرده او را اعدام و بدار مجازات می آویزند ولی در مقابل بسان آنها و باشخاصی که با نوشته‌ها و گفته‌ها و مسافرت‌های بی دریغ خود آنها را از راه مستقیم منحرف کرده‌اند یاداش و اجرو مزد میدهند آیا ملت چگونه قضاوت خواهند کرد، آقای عباس اسکندری ضمن بیانات چند جلسه قبل خودشان فرارشان پتن را فرمودند. فرارشان پتن با آنهمه خدمات بعنوان خیانت بپهن محکوم با اعدام شد صحیح است آقای اسکندری ولی حق این بود که میفرمودند چند نفر هم از مدیران جراید مهم پاریس را بنام همکاری با آشتیانی بپهن محکوم با اعدام نمودند.

آقایان محترم اعتراض و مخالفت من هم بصلاحت آقای ارسنجانی است و هم بطرز انتخاب ایشان صلاحیت ایشان بقدری مورد اعتراض جامعه میباشد که شمه مربوطه هم برای خلاصی از شر اظهار عقیده موضوع را به سو کمیسیون احاله داد و سو کمیسیون هم زیر بار قبول مسئولیت تصدیق صلاحیت آقای ارسنجانی نرفته و اظهار نظر رابخود شمه و اگذارو شمه هم که از ۲۰ نفر نمایندگان محترم تشکیل شده بود با وجود اقدامات مجدانه نتوانست صلاحیت ایشان را تصدیق نماید و بطرز بی سابقه‌ای بدون اظهار نظر قطعی و منجز در واقع رای منفی خود را بشکل مندرج در گزارش کمیسیون ابراز و بمجلس عرضه داشت و امانتت بطرز انتخاب ایشان از اسم آقای ارسنجانی معلوم میشود اهل رشت و گیلان و حتی از شهر های مجاور نیستند مگر اینکه بقول آقای اسکندری فقط برای انتشار چند روزنامه دارا یا معروف شده باشند آقای ارسنجانی مدتی در همدان شهرداری رشت قبل از انتخاب شدنشان آقای اکبر هم محققاً شهادت میدهند (اکبر- بنده اطلاعی ندارم- خنده نمایندگان) آقای ارسنجانی مدتی در عمارت شهرداری رشت اطاقی را اشغال کرده بودند و در آنجا مشغول فرمانفرمایی و صدور دستور های خلاف قانون بودند یک یاد داشتی که عیناً قرائت و بمقام ریاست تقدیم میشود در تاریخ ۲۶ ۸ ۲۵ در روی کاغذیکه مارک شهر داری رشت را دارد بر رئیس دادگستری رشت نوشته اند؛ آقای رئیس دادگستری اکبر زعیبی عضو حزب دموکرات ایران که مورد اهانت چند نفر واقع شده دادسرا قرار توقیف او را صادر کرده کسانیکه اهانت کرده اند بقید التزام آزاد شده اند و این شخص را بقید کفیل میخوانند آزاد کنند و معلومست که نظر خصوصی دو کار است فوراً دستور دهید بقید التزام او را آزاد کنند ایشان قبل از اینکه وکیل بشوند در مارک شهرداری دستور میدهند بر رئیس دادگستری. البته تصدیق میفرمائید هیچ مقامی و حتی وزیر دادگستری وقت همچو دستور را صلاحیت ندارد یک نفر قاضی که مستقل است بنویسد. آقای ارسنجانی باتکاه و یشتیانی مأمورین دولت تمام دستگاههای دولتی را مرعوب و در نتیجه بنفع خود از محلی که یکسفر با ایشان آشنائی نداشت صندوقها را بر کرد. شنیده‌ام در آستانه که در یک سفر سفی لاهیجان واقع است رئیس بهداری را بجرم اینکه نخواست است بنفع ایشان رای بدهد کتک زده و مجروح نموده است و در نتیجه آقایان اطباء رشت مدتی بعنوان اعتراض در سر خدمت حاضر نمیشدند. این بود عرایض من

رئیس - آقای بهار.

ملك الشعراء بهار - من بنا نداشتم که از هیچکس دفاع بکنم یا اینکه حمله ای بیکی از رفقا بکنم بنای من بر این نبود که از کسی در نطق دفاع کنم یا حمله کنم و در اعتبار نامه ها عقیده‌ام این بود که بیطرف بمانم و ساکت و امروز هم مصمم نبودم راجع با آقای ارسنجانی دفاع کنم ولی فرمایشات آقای ذوالفقاری و خطابه بسیار فصیحی که با کمال استادی و با کمال قدرت قلم تنظیم شده بود مرا مجبور کرد بعضی کلمات و مسائل اصولی را اینجا بمرض برسانم؛ برای اینکه بار دیگر این مسائل در این مجلس تکرار

(یکسفر از نمایندگان - خود ایشان زدند ؟) بلی شخصاً خوب توجه بفرمائید این روزنامه ایران ما شماره امروز است یک شرحی نوشته‌اند يك مقاله‌ای که چند کلمه از آنرا میخوانم ولی حسن سبکودی افتاده بود که بیرون آمدن از آن برایش مشکل مینمود ۰۰۰ بالاخره او وکیل شد ۰۰۰ من از وکالت او هم با این شکل راضی نبودم ۰۰۰ ولی چه میشود کرد او این راه را انتخاب کرده بود (یکی از نمایندگان - کمی نوشته است ؟) نماینده، مدیر روزنامه ایران ماست، مقاله‌ای است اما این روزها حسن رنج، بیرد و خود میخورد ۰۰۰ و این شکنجه های روحی بعقیده من امروز نتیجه آن راه خطائی است که او پیش گرفته بود ۰۰۰ و بگذار که بسوزد ۰۰۰ حسن رنج میکشد کدو روی کرسی نشسته است که در کنار او (هیدالقدر ها، فاضلی‌ها، هراتی‌ها نشسته‌اند ۰۰۰۰ (خنده نمایندگان) حسن رنج میکشد که بمجلس آمده است که مردم از آن متنفرند و اغلب وکلایش را تعمیلی میدانند (خود آقا غیرتعمیلی است) حسن امروز باید سر بر سر اشخاصی مانند دکتر معتمدی و امامی خوئی بگذارد که مقابل سر گذر هم حاضر نیست با آنها جواب بدهد (خنده نمایندگان) البته حق هم همین است. حسن با کسانی هم فرا کسیون است که در آدمکشی بی نظیر بوده‌اند (خنده حضار) (زنک رئیس) حسن که خود را سوسیالیست و آزادیخواه میدانند باید بابعضی کسانی هم حزب باشد کدر دزدی و دغلی مانند ندارند. حسن ناچار شده است با یکسخت بد نام معشور شود و دست آنها را بنام همکاری بفشارد و خود را که آه در بساط ندارد با آنها یکسخت و یک جور نشان دهد و مثل آن ها در ردیف ایشان از مردم، از روزنامه ها دشنام بشنود حسن از این چیز ها رنج میکشد حق هم دارد من که حسن را می شناسم رفیق او هستم و او را صمیمانه دوست دارم بحال او افسوس می خورم و بنام دوستی بی شائبه ۵ ساله خود از او خواهش می کنم بیاید از این مجلس استعفا بدهد وهوش و استعداد خود را در راه های مفیدی بکار اندازد این خلاصه اش است دیگر بقیه اش رانمی خوانم البته ایشان انتظار دارد که ایشان استعفا بدهد ولی ایشان هم منتظر نشسته اند که اعتبار نامه شان تصویب بشود بعد معرمانه برود بسراغ آقایان. اینها هم روز نامه داراست تمام شماره هایش را آورده ام برای اخطار ماده ۱۰۹ برای بعد نه حالا.

رئیس - آقای بهار.

ملك الشعراء بهار - من بنا نداشتم که از هیچکس دفاع بکنم یا اینکه حمله ای بیکی از رفقا بکنم بنای من بر این نبود که از کسی در نطق دفاع کنم یا حمله کنم و در اعتبار نامه ها عقیده‌ام این بود که بیطرف بمانم و ساکت و امروز هم مصمم نبودم راجع با آقای ارسنجانی دفاع کنم ولی فرمایشات آقای ذوالفقاری و خطابه بسیار فصیحی که با کمال استادی و با کمال قدرت قلم تنظیم شده بود مرا مجبور کرد بعضی کلمات و مسائل اصولی را اینجا بمرض برسانم؛ برای اینکه بار دیگر این مسائل در این مجلس تکرار

نشود تا اندازه‌های ذهن آقایان در بعضی کلیات اگر واقف نیست واقف بشود. آقای ذوالفقاری در ضمن فرمایشاتشان کم کم بقدری موضوع را بیجا نیندند و خطابیاتشان بقدری کم کم شدید شد که من ترسیدم الان این سفت سرما یکدمه بیچاره ای که معروفیم به آزادیخواهی وطن‌فداری آزادی‌بوده ایم و یکروزه یک مقاله‌ای نوشته‌ایم یا یکروزه حرفی زدیم فرود می‌آید برای اینکه من دیدم این مجلس شبیه مجلس انگلیزیستون است شبیه مجلس مجاکه است که تمام آزادیخواهان مملکت را میخواهند بتدریج تحت محاکمه بکشند این اصل درست نیست (ذوالفقاری- اینطور نیست) شما میگوئید ارسنجانی دزد است اینجا دو دفعه نوشته میشود و رفا میخوانند قربان من تصدیق دارم جناب عالی و اخوی محترمان دونفر از رجال و خیر خواه مملکت هستید ، از ملاکین بسیار بزرگ زنجان هم هستید ، خیلی اقتدار دارید ، خیلی رعایا دارید ، خیلی منافع دارید ، شاید خانواده تان (همه نمایندگان) (بعضی از نمایندگان - بگذارید حرف بزنند)

رئیس - آقایان اگر موافق مبیاست صحبت کند چرا نیک‌گذارید حرف بزنند.

بهار - آقای ذوالفقاری ، عزیزم ، قربانت کمال ارادت را هم بخودت و خانواده تان دارم و میدانم اما آزادی هم باین سهولت بدست نیامده است عزیزم که شامی بگوئید باید ارسنجانی را بزندان فرستاد برای این که گفته است قانون اساسی باید تغییر پیدا بکند نسبت دزدی بیک نفر دادن قبل از آنکه در محکمه ای بدزدی محکوم بشود این صحیح نیست شما چه حق دارید باو نسبت دزدی بدهید ، شایک مرد شریفی هستید آقای ذوالفقاری (ذوالفقاری- نسبت کلاهبرداری دادم) آقای ذوالفقاری شما مرد بزرگی هستید کجا ارسنجانی بدزدی محکوم شده است ؟ چرا باو نسبت دزدی دادید . (ذوالفقاری- همچو نسبتی داده نشده کلاهبرداری بود) من که اینجا ایستاده ام الان همه شنیدند منم شنیدم اجازه بدهید قربان شما بایستی باو ایراد های وارد را بگیرد ولی شما و همچنین آقای امامی نبایستی یکدفعه بر گردید با شخصیکه در این دوساله اخیر مقالاتی نوشته اند چیزهایی نوشته اند البته مملکت حزب دست راست دارد حزب دست چپ دارد یکدفعه محافظه کارند ، در مجلس دوم ، مجلس سوم ، مجلس چهارم ، مجلس پنجم ، مجلس ششم تا روزی که آزادی و مشروطیت در این مملکت اعتبار داشت و مقدس بود و بقول شما این صندلی ها جای مدرسا و مستوفی الممالک ها بود تا آنروز ها حزب دست راست بود ، حزب دست چپ هم بود حزب دست راست هم محترم بود حزب دست چپ هم محترم بود مرتجعین هم احترام داشتند ، آزادی خواهان هم احترام داشتند امروز دیگر ارتجاع میخواهد از آزادی انتقام بکشد ، زیر بار نمیرود آزادی (همه شدید نمایندگان - زنگ رئیس)

یکی از نمایندگان - بیصدا دروغ میگوئید **جواد فنجبه** - بیشه وری آزادیخواه بود آقای ملک ؟

دکتر مجتهدی - حق ندارید این حرفها را بزنید آقا .

یک نفر از نمایندگان - نگذارید حرف بزنند آقا **دهقان** - شما از بیشه وری دفاع میکنید آقا . **بهار** - این طوور نیست آقا ، بیشه وری بهانه است

ابوالقاسم امینی - بفرمائید آقا بگذارید صحبت کنند .

هر آت اسفندیاری - شما حق ندارید این طور حرف بزنید آقای ملک .

آشتیانی زاده - چرا نیک‌گذارید آقایان بیاناتشان را بکنند .

عکلی - آقا خود شما از قرار داد ۱۹۱۹ دفاع میکردید .

محمد علی مسعودی - بله شما از قرارداد دفاع میکردید .

رئیس - آقای مکی بنشین . (دماوندی - آقای مکی بنشینید) بنشین بتوجه ، بتوجه من خودم هر کس مجلس را معتدل کرد اخطار میکنم و اخراج میکنم بگذارید بیاناتشان را بکنند .

ملک‌الشرها بهار - آقایان اجازه بدهید مملکت ما مشروطه است آقایان ، اگر مشروطه نیست بگوئید مشروطه نیست برویم بی کارمان یا آنهایکه میگویند مشروطه نیست بروند بی کارشان ، در مملکت مشروطه باید فکر آزاد باشد ، عقیده آزاد باشد اگر چنانچه کسی برخلاف قانون اساسی عملا اقدام بکند باید ان را گرفت و بزدان کرد و کشت صحیح است . (محمد علی مسعودی - بله - صحیح است)

رئیس - ساکت باش آقا بگذار حرفش را بزنند .

بهار - اما کسیکه مینوشته که من معتقدم قانون اساسی مایبی داد باید این معایب اصلاح شود چند مقاله هم مینویسد در مقابل او هم باید جواب داد باید گفت این عقاید تو خوب نیست باید باو گفت تو نمی فهمی تو راه کج میروی اگر هم آن فکر قوی بود چنانکه گفتید فراموش میشود مردم جمع میشوند و آن فکر را ازین میبرند . من خودم بگوش خودم از اهل حضرت همامونی که کمال ارادتند را ایشان دارم و ایشان را بادشاه آزادیخواه و بیطرفی میدانم شنیدم که ایشان فرمودند قانون اساسی نواقصی دارد که باید اصلاح شود از آقای نخست وزیر شنیدم از چندین نخست وزیر ، چندین مرد بزرگ همه تان شنیدید ما هم شنیدیم . قانون اساسی در آن وقتیکه نوشته شد یک مسائلی در آن نوشته شد که امروز همسلی نیست . یکی از آنها قانون انجمن های ایالتی و ولایتی است که نمیشود اصلا آنرا عمل کرد و اگر عملی میشد در تهران ، در تمام ایران ، در تمام شهر ها انجمن های ایالتی و ولایتی را دایر میکردیم و خواستیم این کار را بکنیم چون یکی از اعتراضات بیشه وری و امثال او قضیه انجمن ها بود و ما خواستیم هم برای اسکات آنها ، برای جلب آنها و هم برای اصلاح مملکت و دادن حق بیشتری ب مردم انجمن های ایالتی و ولایتی را دایر کنیم دیدیم این موضوع را در قانون اساسی طوری تنظیم کرده اند که قابل عمل نیست این بود که مسکوت ماند و اما راجع به بیشه وری اینجا آقای امامی از بیشه وری شرحی گفتند

و از ظلم و تعدی و تجاوز بیشه وری شرحی فرمودند کیست که منکر باشد این قضایا را (صحیح است) کیست که نداند اینها یک تأسیسات اجنبی بوده است کیست که نداند اینها ظلم کرده اند (صحیح است) اجحاف کرده اند ، تعدی کرده اند و بالاخره با دسیسه کاران قفقازی همدست بودند . (جواد فنجبه ای- و شرکاشان هم در ایران) و میخواستند یک قسمت از این را از ما جدا کنند و قسمت کنند اما این چه ربطی دارد به ارسنجانی که اینجا نشسته است ، آقایان بهیند که قطره قطره جمع میشود وانگهی دریا شود قضایای جور و جور واقع میشود و یکدفعه می بینید یک سبلی ، یک واقعه بزرگی منتهی میشود . روزیکه بیشه وری از اینجا رفت به آذربایجان و حزب دمکرات را دایر کرد آنروز هیچکس حتی خود او هم خیال نمیکرد که کار او باین خیانت بزرگ منجر بشود و بالاخره مملکتی را دچار تزلزل بکنند وقتی آنجا رفت اسمش این بود که آمده است اینجا اصلاحات حزبی بکند ، تشکیلات حزبی بدهد و چون قشون روس در ایران بود یکدفعه نمیشد این شعله را خاموش نمود ایست که ملاحظه می کنید تا مدتی صحبت مسالمت بود می گفتند باید مسالمت کارانه رفتار کرد با آنها زیرا مداخلات اجنبی با اجازه نمی داد که قشون بفرستیم ، هنوز ماده نرسیده بود ، هنوز پخته نشده بود قضایا ، اگر چنانچه ارسنجانی نوشته است در یکجائی که این نهضت دمکراتیک است دیگران هم این حرف را گفتند ، دیگران هم تصدیق کردند ما مجبور بودیم ناچار بودیم اگر یاد آقایان باشد یکروز پشت این تریبون (من آنوقت وزیر فرهنگ بودم) خدا حفظش کند دکتر مصدق اینجا یک خطابه ای خواندند که تمامش مربوط به آذربایجان و حوادث آذربایجان و مضامرات آذربایجان بود و خیلی هم نگران بودند ، از این حیث خیلی هم متزلزل بودند که آیا چه خواهد شد قوام السلطنه هم رفته بود بسکو یک وضع عجیبی بود ، مجلس متشنج بود من در اینجا اجازه گرفتم آقای ملک مدنی هم مجلس را اداره می کردند آمدند اینجا گفتند رفا این مملکت سیرغ و هفتی است نرسید من قول میدهم که پشت این تریبون بیایم و مزده اصلاح آذربایجان و برگشتن آذربایجان را بشما بدهم (صحیح است) گفتیم و بایک نرمی و ملایمتی مجلس را برگذار کردم الان هم بحمدالله و کلاهی آذربایجان مثل سرو آزاد یکی از یکی آزادیخواه تر اینجا نشسته اند حالا هم کاری نکنید که تعصب ایجاد بشود ، عزیزم حضرت ذوالفقاری دیگر رشته کار را به تعصب نکشاید یعنی واقفاً احساسات شخصی خود را در مسائل اجتماعی ، در مسائل مملکتی دخالت ندهید ، بعقیده من دومرتبه کار منجر میشود به اینکه یک بیشه وری عداوتی نکرده بکطرف پیدا شود یک تغییر بیشه وری هم بکطرف دیگر دنیا تمام نشده است قربان تو بروم ، حوادث که جانتها نرسیده است ، آقای ذوالفقاری بالاخره جغرافیای این مملکت که قابل عوش شدن نیست ، جان من ، نور چشم من از من بشنوید و یادداشت هم نکنید آنجا خواهش میکنم بیرون دوتا هم توی سرم بزنید یادداشت نکنید ، خودتان راهم بزحمت نیندازید ، کاری نکنید که باری دیگر تعصب ایجاد بشود ، همین قضایا تعصب ایجاد می کنند یادش هست آقای ملک مدنی هم بایشان ارادت نداشته ام نه من و نه ارسنجانی ما را

یک وقت در جلسه خصوصی گفتم برادر این دسته بندی من و شما تعصب ایجاد می کند و بضرر بعضی اصلاح طلبان است دیدید که تعصب هم ایجاد کرد ولی ضررش هم باشخصی که طرفدار آنها بودند وارد شد حالا هم آقایان یادداشت هایتان را بگذارید جیتان استعدا میکنم بارسنجانی وقتی بخواهند رای بگیرند شما رای ندهید دفاع هم با خود او است و دفاع از خودش هم میکند ولی شما فرمایشاتتان خطابی بود . خطابیات بود خیلی هم خوب تنظیم شده بود . ولی آیا فرمایشاتتان حقیقت است ؟ شما خیال میکنید که حالا که در مجلس نوشته اید باید کاری بکنید که اگر یک نفر مقاله ای نوشته است و این مقاله بوی سوسالیزم میدهد این را سرش را ببرید ، اینکار را نمیتوانید بکنید ، جان من میخواهید بگوئید که باید منعش کرد که این یکوقتی نوشته است که قانون اساسی باید اصلاح بشود و نیتش هم این ملعون این بوده است که خدای نکرده این مشروطه را بجهوری برگرداند شما که نیت دیگران را نمیتوانید برگردانید جانم اصلاح قانون اساسی چه ربطی دارد بتغییر رژیم خیال میکنید و الا آن ارادتی را که شما بمقامات عالیه دارید ما هم داریم از خودشان شوال کنید (صحیح است) هم خدمتشان میرسیم همه بایشان ارادت داریم همه بایشان اعتقاد داریم و ایشان را یک پادشاه بزرگ بیفرضی میدانیم قربان ، ایجاد این تعصبات هم بمن ضرر میزند هم بشما ضرر میزند و هم خدای نکرده باملاک زنجان ضرر میزند (خنده نمایندگان) پادشاهی که میخواهد با مهربانی با ملت همراهی کند ، ملتا را راهنمایی کند (محمد علی مسعودی - آقا مربوط بشاه نیست) چرا ، ایشان فرمودند ، آقا تخم آزادی- خواهی را مشکل است از بین برد گمان نمیکنم که بشود آزادیخواهی را از بین برد و دو مرتبه بشود اصول فتوایسالم را دایر کرد گمان نمیکنم که برگردد گمان میکنم که سخت باشد پس کاری بکنید که دست چپ و آزادیخواه و سوسالیست و تندرو هم زندگی بکنند دست راست و بالاخره آقا واعیان و رجال بزرگ هم زندگی بکنند و کاری نکنید که بیشه وری پیدا بشود بیشه وری را همین تعصبات اول مجلس چهاردهم بوجود آورد (همه نمایندگان)

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست .

دهقان - از بیشه وری دفاع نکنید آقا .

نورالدین امامی - چه سال بوجود آورده بودند برای همچو وقتی .

بهار - تاریخ است آقا تاریخ را که نمیشود عوض کرد آن ملعون را اینجا وقتی رد کردید زندگیش بیاد رفت ، بفشار کرسنکی افتاد مجبور شد باشد رفت آنجا آن آتش را روشن کرد عیناً حال حسن صباح است وقتی خواجه نظام الملک داد بیرونش کردند و طردش کردند و از نظر انداختند رفت قلعه الموترا پیدا کرد (محمد ذوالفقاری - دعوتشان کنید بیایند) بیشه وری هم از این جا رفت (یک نفر از نمایندگان - مرده است) زنده هم باشد مرده است و به اول کسی هم که فحش داده است بس و آقای مسعودی در یک نطق فحش داده است بنده هم بایشان ارادت نداشته ام نه من و نه ارسنجانی ما را

هم خوب میشناسید و همه میشناسند و ربطی بکار ما نداشت حالا هم میخواهم عرض کنم کاری بکنید که دومرتبه اینها بوجود نیایند ، کاری بکنیم که تعصب در مملکت ایجاد نشود کاری باید بکنیم که البته اگر چنانچه یک نفر آزادیخواهی هم در مملکت هست نرود خودش را بچسباند یک سدی که بقوه او خودش را حفظ کند کاری بکنید که آزادیخواه هم بتواند زندگانی بکند اشخاصی هم که بالاخره یک قدری تندرو هستند حق حیات داشته باشند تعصب و فشار و بالاخره انتقام جوئی بعقیده بنده نه نتیجه برای حال حاضر ما دارد نه پس فردا بدردم خواهد خورد بنده آنچه شرط بلاغ بود و نصیحت بود عرض کردم همه تان هم به آقایان ذوالفقاریها ارادت دارم به آقایان آذربایجانی ها هم ارادت دارم خدا گواه است دلم میخواهد همیشه با آقایان زندگی بکنم در من هیچ تعصبی نیست و نبوده است و دلم میخواهد در ساحت این مجلس تعصب ایجاد نشود عرض کردم امروز دست هم برای همه کار باز نیست ، امروزه باید تمام ما دست بهصدا ، با کمال مدارا ، با کمال ملایمت ، با اتفاق ، با اتحاد با برادری با هم راه برویم رنجشی از هم داریم بگوش هم بگوئیم حتی الامکان کاری کنیم که تشنج در مجلس ایجاد نشود بالاخره وقتی قضایا حل شود وقتی خیالمان از مسائل کلی و اصولی راحت شد وقتیکه مخاطرات مرتفع شد البته هر کس که زور دارد و قدرت دارد و دولت در دست او است اگر قانون اجازه داد هر کار که بخواهد میتواند بکند ، امروز آنروز نیست امروز روز برادری و موافقت و همراهی است روزی است که باید با هم متفق باشیم حالا بسته بنظر آقایان است .

ابوالقاسم امینی - پیشنهاد ختم جلسه شده .

اقبال - بنده مخالفم .

ناصر ذوالفقاری - اخطار نظامنامه ای مطابق ماده ۱۰۹ دارم .

برزین - بگذارید باشد جلسه بعد .

سزاوار - پیشنهاد ختم جلسه شده است .

ناصر ذوالفقاری - پس استعدا میکنم حق بنده برای جلسه بعد محفوظ بماند .

۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه رسیده است مقدم است ، مخالفی نیست ؟

دکتر مجتهدی - بنده مخالفم .

رئیس - آقای دکتر مجتهدی مخالفید اجازه بدهید قرائت بشود بعد توضیح بدهید . پیشنهاد را قرائت کنید آقای فولادوند .

(پیشنهاد ختم جلسه توسط آقای فولادوند شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم جلسه را ختم و مذاکرات آقای ارسنجانی بجلسه بعد موکول شود .

رئیس - آقای سزاوار .

نداشته ام جز اینکه الان ساعت دو بعد از ظهر است و اینطوریکه مشاهده میشود آقایان همه خسته هستند و اگر بجلسه بعد موکول بشود البته هم آقای ارسنجانی بمذاکرات خود بهتر خواهد پرداخت و

اخبار مجلس

در تاریخ سه شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۲۶ سه قبل از ظهر کمیسیون کشاورزی تشکیل و هیئت رئیسه خود را بقرار زیر انتخاب نمود :

آقای کامل ماکو	رئیس
« قهرمان	نایب رئیس
« ابوالقاسم امینی	مخبر
« معین زاده	منشی

در تاریخ فوق دوساعت بعد از ظهر کمیسیون بهداری تشکیل گردیده و هیئت رئیسه خود را از اینقرار انتخاب نمودند :

آقای دکتر آشتیانی	رئیس
« مجتهدی	نایب رئیس
« ملکی	مخبر
« فلسفی	منشی

رئیس اداره کمیسیونها و شعب کمیسیون راه آقای مهندس خسرو هدایت رئیس « دکتر طباطبائی نایب رئیس « آشتیانی زاده مخبر « دادور - اسلامی منشی رئیس اداره کمیسیونها و شعب

انتصابات واحکام

در وزارت کشور

آقای مهدی سمیعی فرماندار فردوسی از تاریخ اول مهر ۱۳۲۶ بسمت بازرس استانداری نهم منتقل شدند.

آقای حسین بیگلریبکی بازرس فرمانداری اراک بسمت معاونت فرمانداری ملایر منتقل شدند.

آقای نصرت اله مستشاری بازرس وزارتى از تاریخ اول مهر ماه ۱۳۲۶ بسمت فرمانداری تربت حیدریه منتقل شدند.

آقای سلیمان خسروی رئیس اداره درآمد هزینه از تاریخ ۱۷ ر ۶ ۳۶ علاوه بسمت ریاست دائره درآمد هزینه معاونت اداری حسابداری نیز بعهده ایشان معول شد.

آقای تقی سننی رئیس حسابداری شهرداری ساری از ۱۶ شهریور ۱۳۲۶ بسمت بخشدار دستجرد منتقل شدند.

آقای محمد باقر امیری لاری بازرس استانداری نهم از تاریخ اول مهر ماه ۱۳۲۶ بسمت فرمانداری شهرستان گناباد منتقل شدند.

آقای عزیزاله نجفی فرماندار تربت حیدریه از تاریخ اول مهر ۱۳۲۶ بسمت فرماندار فردوس منتقل شدند.

آقای خلیل غروی سردفتر ازدواج شماره ۱۴۰ تهران

بموجب این ابلاغ رسمیت دفتر شما ملغی میشود وزیر دادگستری

آقای بهاء الدین علمی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج شهر شاهرود

بموجب این ابلاغ استعفاى شما از تصدى دفاتر اسناد رسمی و ازدواج پذیرفته میشود وزیر دادگستری

آقای سید حسن مظلومی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق بابل

بموجب این ابلاغ رسمیت دفاتر شما بشهر گرگان تبدیل میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.

وزیر دادگستری

آقای عبدالحسین جناب

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه اول شهر شیراز منصوب میشود طبق مقررات انجام وظیفه نمائید.

وزیر دادگستری

آقای سید علی بیگانی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و گواهی صحت امضاء شهر بابل

بموجب این ابلاغ استعفاى شما از تصدى دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و گواهی صحت امضاء پذیرفته می شود.

وزیر دادگستری

آقای سید محمد جعفر علوی سردفتر ازدواج شهر مشهد

بموجب این ابلاغ بعلت غیبت و ترك معمل كار از تصدى دفتر ازدواج معاف میشوید.

وزیر دادگستری

آقای ابوالقاسم هاشمی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج شهر خوی

بموجب این ابلاغ استعفاى شما از تصدى دفاتر رسمی و ازدواج پذیرفته میشود.

وزیر دادگستری

آقای حسین مروجی

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم شهر سبزوار منصوب می شوید طبق مقررات انجام وظیفه نمائید.

وزیر دادگستری